

سلیمانی ۳۹ ساله در رباط پایتخت مغرب (مراکش) بزرگ شد و در ۱۷ سالگی به پاریس رفت. نخستین کتابش «ادل» یا «در باغ غول» سال ۲۰۱۴ در فرانسه منتشر شد و دو سال بعد با دومین رمان خود «لالایی» نخستین زن مغربی لقب گرفت که برنده معتبرترین جایزه ادبی فرانسه گنگور می‌شود. در ۲۰۱۷ آمانوئل مکرون، رئیس جمهوری فرانسه سلیمانی را نماینده ویژه برای گسترش زبان و فرهنگ فرانسوی معرفی کرد.

به گزارش هنر آنلاین، این نویسنده جوان که همراه همسر و دو فرزندش در پاریس زندگی می‌کند، سال گذشته کتاب کتاب غیر داستانی «جنسیت و دروغ» را درباره زندگی پنهان زنان مغربی روانه بازار کرد و تازه‌ترین کتاب او «گنگور دیگران» نخستین جلد از یک سه‌گانه درباره تاریخچه خانوادگی خاندان سلیمانی است که تا چند روز دیگر در دسترس علاقه‌مندان قرار می‌گیرد. داستان در دهه‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ می‌گذرد و درباره پدربزرگ و مادر بزرگ مادری سلیمانی در دوران مبارزه با استعمار است.

چه شد که خواستی درباره خانواده‌ات بنویسی؟

پس از بردن جایزه گنگور، می‌خواستم چیزی بنویسم که سخت باشد. در مقام هنرمندی که تحسین شده، مهم است کاری بکنی که امکان شکست خوردن و ناکامی در آن باشد. بعد به این ایده سه‌گانه خانوادگی-تاریخی رسیدم و خودم هم به آثار حماسی علاقه دارم. دوست داشتم زندگی یک شخصیت را از لحظه به دنیا آمدن تا مرگ دنبال کنم و دگردیسی جامعه را از نگاه او ببینم. از نسوی دیگر، در سرزمین مادری‌ام مغرب انبوه کتاب‌ها از فرانسه، روسیه، آمریکا و بریتانیا خوانده بودم و با خودم گفتم چیزی بنویسم که آنها درباره کشور من باندند. غربی‌ها ما را فقط مسلمان می‌دانند و می‌شناسند اما مهم است که بگوییم ما تاریخی پیچیده داریم.

پس چرا می‌خواستی یک اثر حماسی درباره خانواده‌ای دیگر روایت کنی؟

نه. همیشه می‌دانستم قرار است درباره خانواده خودم



کمدی سیاه «چاقو، شکلات» با مدت زمان ۱۷ دقیقه به نویسندگی و کارگردانی «هوشمند ورعی» آماده نمایش شد. «چاقو، شکلات» سسونیم تجربه کوتاه ورعی پس از فیلم‌های «بادبادک‌ها پاک‌نمی‌دانند» و «سوت زدن زیر آب» محسوب می‌گردد. ++هوشمند ورعی برنده دیپلم افتخار بهترین فیلم کوتاه اکسپریمنتال ایران از بیست و ششمین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران می‌باشد و



تهیه‌کننده «شکرستان» این انیمیشن را داستان شهری عنوان می‌کند که هر روز در آن اتفاقات جدیدی رخ می‌دهد و نمی‌توان برای آن پایانی متصور بود. مسعود صفوی درباره تغییرات فصل جدید این مجموعه به ایسنا گفت: در این فصل، تغییرات خاصی انجام نشده است، فقط از بعضی کاراکترهایی که چند وقت بود استفاده نکرده بودیم، در سری جدید بهره بردیم و سعی کردیم به خاطر ایام عید قربان تا غدیر، از موضوعات شادتری استفاده کنیم. او با بیان اینکه حتما از موضوعات روز در «شکرستان» استفاده می‌شود و معمولا این مجموعه به مسایل روز نگاه انتقادی دارد، در عین حال عنوان کرد که در «شکرستان» به موضوع

پیش از گفتار درباره پریش یاد شده همه ما ایرانیان با واژه «بُزری» آشنا هستیم. نان ضخیم بلند و خوشمزه‌ای که در همه شهرهای ایران تقریباً یافت می‌شود. نانی منسوب به ایبل «بُزیر» که در اواخردوران قاجارازایل بریل (هزاره‌های مهاجردر منطقه مرکزی افغانستان) به تهران آورده شد و در ایران رواج پیدا کرد. (متین، پیمان، ۱۳۹۹)

پس از نان بربری به زبان بربری می‌رسیم که نام گروهی از خانواده زبان‌های آفریقایی – آسیایی (حامی-سامی) است و با زادگاه این نان فاصله بسیار زیادی دارد هرچند شبیهی به همان جا می‌رسد.زبان‌های گوناگونی در پهنه وسیعی از شمال آفریقا به این زبان منتسب است.شمار زبان‌های بربری درحال حاضر به سی و پنج رسیده و سخنگویان آن حدود دوازده میلیون نفرهستند که بیشتر در کشورهای الجزایر و مراکش زندگی می‌کنند. (پاکتچی-احمد،۱۳۹۹)

این خلدون (۲۳۲-۸۰۸م.ق) – که خود از قوم بربراست– بخشی از تاریخ خود را به قوم بربر اختصاص داده است.نام طولانی کتاب این خلدون، این است:

«البُز و دیوانُ المبتدأ و البُخیرفی احوالِ العرب و العجم

و البزیر، و من عاشرهم من ملوکِ اَخرُ»

(عبرت آموزی‌ها و دیوان مبتدا و بخیرد، حالات عرب و عجم و بربر و پادشاهان دیگری که هم عصر آن‌ها بودند) مقدمه این خلدون البته از خود این کتاب مشهورتر است. این منظوم آفریقایی (۶۳۰-۷۱۱ق.)در لسان العرب می‌نویسد: «بُزیرنسلی از مردم هستند که نسبشان به بَز بن

گفت‌وگو با لیلا سلیمانی ، نخستین نویسنده مغربی برنده جایزه ادبی گنگور

با داستان گفتن به همه آرزوهای زندگی‌ام رسیدم



باشتم. مادربزرگ در کودکی همواره برایم از خودش و ازدواجش داستان‌ها می‌گفت و من هم او و پدربزرگم را شخصیت‌های یک رمان می‌دیدم. پدربزرگم روی شکم خودش یک زخم بسیار قدیم داشت و وقتی از او درباره این زخم پرسیدم، گفتم که در جوانی در آلمان با یک ببر جنگیده و این یادگار همان ماجراست. من هم تا ۱۴ سالگی این داستان را باور کرده بودم. خیلی خوشبخت بودم که پدربزرگ و مادربزرگم دروغ می‌گفتند!

شاید برای اینکه کمک می‌کرد خیلی آسان تر یک داستاگو شوی؟
دقیقا. به من یاد داد اگر می‌خواهم زندگی آزاد داشته باشم، باید داستان بگویم. من کسی هستم که می‌تواند بسیار وحشت‌زده شود چون دوست دارد همه جا برود، همه کتاب‌ها را بخواند و همه حس‌ها را بشناسد. طبعاً همه این‌ها غیر ممکن است مگر اینکه نویسنده باشی. حالا می‌توانی

باشتم. مادربزرگ در کودکی همواره برایم از خودش و ازدواجش داستان‌ها می‌گفت و من هم او و پدربزرگم را شخصیت‌های یک رمان می‌دیدم. پدربزرگم روی شکم خودش یک زخم بسیار قدیم داشت و وقتی از او درباره این زخم پرسیدم، گفتم که در جوانی در آلمان با یک ببر جنگیده و این یادگار همان ماجراست. من هم تا ۱۴ سالگی این داستان را باور کرده بودم. خیلی خوشبخت بودم که پدربزرگ و مادربزرگم دروغ می‌گفتند!

باشتم، باید داستان بگویم. من کسی هستم که می‌تواند بسیار وحشت‌زده شود چون دوست دارد همه جا برود، همه کتاب‌ها را بخواند و همه حس‌ها را بشناسد. طبعاً همه این‌ها غیر ممکن است مگر اینکه نویسنده باشی. حالا می‌توانی

باشتم. مادربزرگ در کودکی همواره برایم از خودش و ازدواجش داستان‌ها می‌گفت و من هم او و پدربزرگم را شخصیت‌های یک رمان می‌دیدم. پدربزرگم روی شکم خودش یک زخم بسیار قدیم داشت و وقتی از او درباره این زخم پرسیدم، گفتم که در جوانی در آلمان با یک ببر جنگیده و این یادگار همان ماجراست. من هم تا ۱۴ سالگی این داستان را باور کرده بودم. خیلی خوشبخت بودم که پدربزرگ و مادربزرگم دروغ می‌گفتند!

کمدی سیاه «چاقو، شکلات» ساخته شد



پیش تر نیز با این دو فیلم در بخش مسابقه جشنواره‌های مختلف بین‌المللی از جمله میلان ایتالیا، سن پترزبورگ روسیه، بلگراد صربستان، زوریخ سوئیس، استانبول ترکیه، نابروبی کنیا و مومیای هندوستان حضور داشته است. به گزارش ایسنا، ورعی در توضیح داستان فیلم جدیدش «چاقو، شکلات» ضمن ابراز نگرانی از گسترش روزافزون تبعیض جنسیتی گفت:

جامعه و دولت نمی‌توانند به تنهایی معجزه کنند! ما نیازمند خانواده‌هایی هستیم که احترام و مهریانی با زنان را از ایام کودکی به فرزندان شان بیاموزند.

طراحی پوستر و پخش بین‌الملل «چاقو، شکلات» بر عهده میدیا کیاست بوده و از بازیگرانی که در این فیلم ایفای نقش کرده اند می‌توان به حمید پیش قدم و هیدا ورعی اشاره کرد.

دیگر عوامل فنی «چاقو، شکلات» عبارتند از:

تهیه کننده: دکتر هوشنگ ورعی، لطیفه عین جعفری،

مدرسه فیلم موج نو

گروه کارگردانی: هیدا ورعی، مهرداد موسایی

مدیر فیلمبرداری: محمدرضا سکوت

صدابردار: حسن زاهدی

دستیار صدا: مهدی ابراهیم زاده

صداگذار و طراح صدا، علی ابوالصق

تدوین: هوشمند ورعی

گروه تدوین: فرامرز بلگلو، نیماوری

موسیقی: بهنود یخچالی

عکس: بهرنگ ذوقلی زاده

تصحیح رنگ و جلوه‌های ویژه: بنیامین قچاق

طراح گریه: هدا ورعی



با کنسرت خیابانی به جنگ کرونا برویم

یک هنرمند موسیقی بر این باور است که یکی از راه حل‌های اجرای موسیقی در دوران کرونا برگزاری کنسرت های خیابانی است. او می گوید: اگر مجوزی صادر شود که اجراها بتوانند در یک فضای باز که خطر آلودگی نداشته باشد، اجرا شود، هم بازخورد بهتری دارد و هم هنرمندان با اجرای جدیدی رو به رو می‌شوند و می‌توانند مخاطبان را به شکل دیگری تحت تأثیر قرار دهند. حمید قنبری – نوازنده تمبک – که در آخرین سری از اجراهای «ماه و نوا»، چهارمین حضور در کنسرت آنلاین موسیقی را ثبت کرده است، درباره این تجربه به ایسنا می گوید: عادت به هر پدیده جدیدی مدتی زمان خواهد برد. شاید بار اولی که قصد برگزاری کنسرت آنلاین را داشتیم خیلی نمی‌دانستیم که چه اتفاقی خواهد افتاد. روی صحنه که بودیم بدون حضور تماشاچی پس از شمارش معکوس اجرا را شروع کردیم و سعی کردیم حسی که در کنسرت‌های حضوری داشتیم را در این اجرا نیز حفظ کنیم. ولی در نهایت تماشاگری در سالن وجود نداشت و پس از پایان هر

واژه «بِر» در زبان لُری مکی آبادی و «بِرِبِر»در زبان یونانی، چه نسبتی با هم دارند؟

علی جان بزرگی «جهانی»

درداتره المعارف بیسن‌المللی(ص۵۲۲)بربرها، مردمان سفید پوست مسلمان آفریقای شمالی بودند که به صورت پراکنده در دیوارهای محصور،دامداری،کشاورزی و تجارت می‌کردند.

«نام بربرها به نسل‌های پیش از عرب،آفریقای شمالی، از مرزهای مصر گرفته تا اقیانوس اطلس و ازسواحل مدیترانه تا نیجر اشاره می‌کند. این اصطلاح از واژه تحقیر آمیز یونانی برای غیریونانیان آمده و هم در زبان لاتین و هم زبان عربی وارد شده و سپس به زبان انگلیسی با کمی تغییر وارد شده است.» (داتره‌المعارف لکسیکون،ج۲،ص۲۰)

درشاهنامه فردوسی،نام بربرستان آمده است.هنگامی که پادشاه بربرستان و مصر با سپاهشان به باری پادشاه هاماوران (شاید یمن امروزی)می‌آید و کیکلوس را شکست داده و اسیر می‌نماید رستم دستان به یاری او آمده و شاه هاماوران و بربرستان و سپاه مصر را شکست داده و کاوس شاه را آزاد می‌نماید:

زبُرپرستان چون بیامد سپاه به هاماوران ،شاد دل گشت

شاه گرفتند نساگه کاووس را جو گودرز و چون گیو و چون طوس را (ج ۱،ص۲۳۹)

شاه بربرستان به چنگ گراز گرفتارشاد با چهل رزم ساز (همان منبع،ص۲۴۴)

پس از شکست بربرها،همه لشکرآن‌ها به سپاه ایران و تهمتن ، تسلیم می‌شوند:

دیدم؛ اسلامگراهایی که پیشینه من را داشتند و غربی‌هایی نژادپرست که فکر می‌کردند من آن چیزی نیستم که نشان می‌دهم.

ان‌زا امید شدند گفتی. فکر می‌کنی مردم چگونه می‌توانند در دوران نومیدنی دوام بیاورند؟

اولین ناامیدی من وقتی بود که دریافتم زندگی چیزی نیست که ما در فیلم‌ها می‌بینیم؛ یعنی یک چیز خسته‌کننده. اینکه بزرگ شوم و ازدواج کنم و بچه‌دار شوم و بروم خرید و… من دو گزینه پیش رو داشتم؛ یا به زندگی‌ام پایان بدهم یا بروم یک زندگی که خودم دوست دارم و می‌خواهم نویسنده شوم. نمی‌خواستم زندگی‌ام شبیه مادر و پدرم یا دیگر آدم‌های معمولی باشد.

این روزها چه می‌خوانی؟ چه کتاب‌هایی روی میز اتاقت هست؟

«شرق‌شناس» تام ریس. «خون خردمندانه» فلائری اوکانسر را هم می‌خوانم. یکی از نویسنده‌های محبوب من است و کتابش منبع الهامی برای نوشتن بخش سوم این سه‌گانه.

آخرین کتاب بزرگ که خواندی؟

«واقعیت یک بدن: یک جنایت و یک خاطره» نوشته الکساندرا مارزانو-لسنویچ؛ کتابی بسیار سخت و بسیار

هوشمندانه که ایهام‌های روح انسان را نشان می‌دهد و فاصله‌ای که گاهی می‌تواند میان بورها و احساس‌های ما باشد.

کدام نویسندگان امروز را بیشتر تحسین می‌کنی و می‌پسندی؟

لودمیلا اولتسنسکایا، سولانا الکسیویچ، زیدی اسمیت و چیمپماندا انگوزی ادیچی. نویسنده‌ای که خیلی تحسین می‌کنم، میشل ولیک است. البته با نگاهش به دنیا موافق نیستم اما فکر می‌کنم نویسنده‌ای بزرگ است. عاشق «مرغ مگس‌خوار» ساندرو ورونوسی هستم؛ یک شاهکار واقعی و کتبی باسزه، تأثیرگذار و عمیق که وقتی صفحه آخرش را خواندم، بسان یک دخترچه گریه می‌کردم.

اخبار کوتاه

اکران آنلاین «خون‌شد» کیمیایی



فیلم «خون‌شد» به کارگردانی مسعود کیمیایی همزمان با برخی سینماها، به صورت آنلاین نیز اکران خواهد شد. به گزارش ایسنا، «خون‌شد» به تهیه‌کنندگی جواد نوروزبینگی محصول

سال ۱۳۹۸ که در سی‌وهشتمین جشنواره فجر به نمایش درآمد، یکی از گزینه‌های اکران نوروزی اسمال بود که پس از پنج ماه هنوز هم در بعضی سینماها در حال اکران است.

بیست‌ونهمین فیلم مسعود کیمیایی از ساعات ۲۰، هفتم مردادماه در پلتفرم‌های اینترنتی اکران آنلاین شد.

در «خون‌شد» سعید آقاخانی، نسرین مقانلو، سیامک صفری، لیلا زارع، هومن برق‌نورد، اکبر معززی و سیامک انصاری بازی کرده‌اند.

این فیلم تیرماه سال ۹۹ را رده‌بندی بالای ۱۲ از سازمان سینمایی مجوز نمایش گرفته بود اما برای نمایش آن در پلتفرم این‌طور درج شده که فیلم برای سن بالای ۱۷ سال مناسب است.

«قبله عالم» با بازی حامد کیمیایی پخش می‌شود



سریال شبکه نمایش خانگی «قبله‌عالم» از دهم مردادماه منتشر می‌شود. به گزارش ایسنا به نقل از روابط عمومی سریال، سریال «قبله‌عالم» کارگردانی حامد محمدی که در فضای تاریخی

ساخته شده قرار است روزهای یکشنبه پخش شود و قسمت اول آن یکشنبه ۱۰ مرداد منتشر خواهد شد.

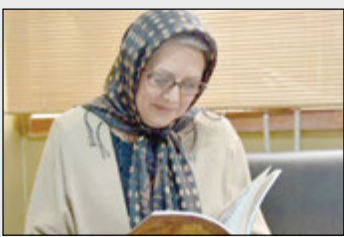
گروه فیلمبرداری سریال که ساخت این اثر تاریخی را از شهر کاشان آغاز کرده بودند این روزها در تهران مشغول ضبط قسمت‌های باقی‌مانده هستند.

حامد کیمیایی، سمام درخشانی و هادی کاظمی، شقایق دهقان، اردشیر رستمی، سوگل خلیق، مارین ون هولک، سمانه پاکدل، مهیار پوربابایی، زهرا پره‌زومتش، وارانند پطرسیان، مجتبی فلاحی و پژمان بازگی با هنرمندی سروش صحت بازیگران این سریال هستند.

در خلاصه داستان این سریال که حامد محمدی نگارش آن را بر عهده داشته آمده است: مادرجان این همه زن را مرخص بفرماید تا اندرونی کاخ خلوت شود. پدرسوخته‌ها مضمون کوک می‌کنن قبله عالم را هوس‌ران جلوه دهند.

سریال «قبله‌عالم» به تهیه‌کنندگی منوچهر محمدی از تولیدات فیلمو است.

بانوی پیشکوت نگارگری درگذشت



مه‌رمان فخارمنفرد صبح دیروز بر اثر ابتلا به کرونا در ۶۸ سالگی در بیمارستان ویداعلم تهران دارفانی را وداع گفت.

پسر این استاد فقید طی گفت‌وگویی با ایسنا خبر درگذشت مادرش را تأیید کرد و گفت که تاریخ دقیق خاکسپاری و محل دفن ایشان هنوز مشخص نشده است.

استاد مه‌رزمان فخارمنفرد، متولد سال ۱۳۳۲ در شهری، دارای مدرک درجه یک هنری از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در رشته گل و مرغ، نگارگری را نزد اساتیدی چون سوسن آبادی، علی اشراقی، علی مطیع فراگرفت و رشته‌های تذهیب، گل و مرغ، هنرهای لاک، نقاشی روی چوب، نقاشی روی شیشه و پشت شیشه و آب رنگ‌پرداز را نزد استاد بیوک احمری آموخته بود.

وی تاکنون چندین نمایشگاه گروهی در داخل و خارج از کشور و یک نمایشگاه انفرادی داشته است. فخارمنفرد با ابتکاری که در هنر گل و مرغ داشته موفق به کسب رتبه‌های مختلف هنری شده بود. از نمایشگاه‌ها و رتبه‌های کسب شده ازسوی این هنرمند می‌توان موارد زیر را برشمرد:

نخستین نمایشگاه آثار هنرمندان زن کشور سازمان میراث فرهنگی ۱۳۷۳؛ (در رشته نقاشی زیر لاک، قلمدان، مینیاتور)؛ دریافت لوح تقدیر. دومین نمایشگاه دوسالانه نگارگری ایران ۱۳۷۴؛ در رشته تذهیب گل و مرغ (لوح افتخار) و در رشته نگارگری (لوح تقدیر). چهارمین دوسالانه نگارگری ۱۳۷۹؛ در رشته گل و مرغ (تندیس و لوح افتخار)، در این اثر برگزیده با عنوان«قدر مجموعه گل مرغ سحر داند و بس»، برای اولین بار در هنر لاک، کادر شکسته شد.

محمدسرور رجایی هم با کرونا رفت



محمدسرور رجایی، نویسنده و شاعر افغانستانی در پی ابتلا به کرونا در ۵۲سالگی از دنیا رفت.

به گزارش ایسنا، محمدسرور رجایی نویسنده، پژوهشگر و شاعر افغان ساکن ایران، سرگرا روز پنج‌شنبه، هفتم مردادماه بر اثر عوارض ناشی از ابتلا به کرونا در بیمارستان درگذشت. او از حدود یک هفته قبل در بیمارستان میلاد تهران بستری بود. محمدسرور رجایی متولد سال ۱۳۴۸ در کابل بود که در سال ۱۳۷۳ به ایران مهاجرت کرد.

مدیریت در خانه ادبیات افغانستان و مدیریت دفتر شعر و داستان افغانستان در حوزه هنری از جمله فعالیت‌های اوست. همچنین «گل‌های باغ کابل» (مجموعه شعر کودکان) و «در آغوش قلب‌ها» (مجموعه شعر و خاطره) از جمله آثار منتشرشده او هستند.

در معرفی ناشر کتاب‌های محمدسرور رجایی از او آمده است: «رجایی ۲۰ سال آخر عمرش را صرف جمع‌آوری اطلاعات و خاطرات مربوط به شهیدان ایرانی جهاد افغانستان و شهیدان افغانستانی دفاع مقدس کرد. «از دست لیلی تا جزیرهٔ مجنون» خاطرات رزمندگان افغانستانی دفاع مقدس، «ماموریت خدا» هفت روایت از احمدرضا سعیدی شهید ایرانی جهاد اسلامی افغانستان و کتاب «در آغوش قلب‌ها» اشعار و خاطرات مردم افغانستان از امام خمینی آثار منتشرشده از رجایی در انتشارات «راه یار» است.

کتاب خاطرات «شهید دکتر سیدعلی شاه موسوی گردیزی» از فرماندهان جهادی افغانستان که به دست عوامل داعش ترور شد، دیگر محصول تلاش‌های محمدسرور رجایی است که به زودی منتشر خواهد شد. همچنین انتشار مجله «باغ» ویژه کودکان افغانستانی نیز از دیگر فعالیت‌های او در این سال‌ها بود.

رجایی از اعضای دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی و نیز عضو هیأت تحریریه مجله‌های «سوره» و «راه» بود و ده‌ها مقاله یادداشت و گزارش درباره روابط فرهنگی ایران و افغانستان از او به‌جا مانده است. او چندین دوره دبیری جشنواره «قند پارسی»، جشنواره خانه ادبیات افغانستان را نیز بر عهده داشت.

خانه ادبیات افغانستان هم در پی درگذشت محمدسرور رجایی نوشته است: «همی‌گفتم که خاقانی دریاغوی می‌باشد

دریغا من شدم اکنون دریاغوی خاقانی

پرواز همکار خانه ادبیات افغانستان در تهران، محمدسرور رجایی به شما و دیگر همکاران و جامعه ادبی و فرهنگی کشور تسلیت باد!

مرگ کبوتر، پایان پرواز باد!